



به روایت شهید علی فتیحی

گزارش توصیفی از

عملیات قرارگاه نجف در عملیات والفجر ۸

..... خسرو شاه محمدی

اشاره؛ شهید علی فتیحی در عملیات قادر ۱، راوی تیپ ویژه شهدا (قرارگاه حمزه)؛ در عملیات قادر ۲، راوی تیپ قدس؛ در عملیات والفجر ۸، راوی قرارگاه نجف و در عملیات کربلای ۵ راوی قرارگاه قدس بوده است. وی در زمان روایت گری خود ۱۶۵ نوار صوتی ضبط شده، ۷ دفترچه راوی و ۵ گزارش عملیات ثبت کرده است. شهید فتیحی آخرین نوار از مجموعه گزارش های مستند خود درباره جنگ تحمیلی را از عملیات قرارگاه قدس در کربلای ۵ در روزی که به شهادت رسید (۱۳۶۵/۱۷/۲۳) ضبط کرده است. او در اثر ترکش توپ شلیک شده از طرف دشمن در حالی به شهادت رسید که در کنار برادر عزیز جعفری فرمانده قرارگاه قدس ایستاده بود. در این واقعه فرمانده قرارگاه قدس دچار مجروحیت سختی شد به گونه ای هر لحظه بیم شهادت وی می رفت.

مقدمه

هستند متکی به دفاتر راوی و اسناد صوتی همچون نوارهای

جلسات، مصاحبه ها، مکالمات بیسیم و نیز مکاتبات بین قرارگاه ها و یگان ها.

گزارش عملیات قرارگاه نجف در عملیات والفجر ۸ که از جمله گزارش های توصیف شده است درباره عملیات قرارگاه نجف در جزیره ام الرصاص می باشد که شهید علی فتیحی راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ آن را تدوین کرده است.

روش این گزارش

۱- این گزارش توصیفی است به این معنا که به نقد و ارزیابی ساختاری یا محتوایی گزارش عملیات مورد بحث پرداخته است.

اگرچه یک رویداد را نمی توان دوباره رقم زد اما همیشه می توان درباره آن نوشت و از آن درس گرفت و به هر میزان که این نوشتن به زمان آن رویداد نزدیک تر باشد سودمندتر است و اگر این نوشتن، درون یک رویداد، بی کم و کاست و با درایت و هدف معین انجام گرفته باشد، سودمندی اش بیشتر خواهد بود.

گزارش ها و دست نوشته های راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه درباره عملیات های نظامی در دوره جنگ با عراق از جمله نگاشته های نادری است که به دلیل دقت و مستند بودن در نوع خود بی نظیر است. این گزارش ها، جمع بندی و خلاصه ای توصیفی - تحلیلی

۲- هدف از گزارش توصیفی این است که خوانندگان پژوهشگر بدون تأثیرپذیری و پیش داوری درباره بخشی از گزارش عملیاتی که مطالعه می کنند به قضاوت بپردازند.

۳- یکی از اهداف گزارش توصیفی حاضر که به نقل بخشی از گزارش عملیات راوی شهید علی فتحی پرداخته است، آشنا کردن خواننده پژوهشگر به نحوه نگارش، ظرافت ها و لطافت های راوی در ثبت رویداد است.

۴- متن اصلی از نظر ویرایش ادبی نیازمند تغییراتی بود که برای حفظ اصالت در ادبیات نگارش راوی که لازمه یک گزارش توصیفی است در آن دست برده نشد، جز موارد بسیار اندک به ضرورت تفهیم جملات نوشته شده. این موارد در پی نوشت پاورقی مشخص شده است.

۵- این مقاله در سه بخش ارائه می شود:

بخش اول، متن کامل مبحث انتخاب منطقه با هدف اینکه پژوهشگران با سبک و روش گزارش نویسی راویان از نحوه بحث فرماندهان درباره موضوعات عملیات، از جمله انتخاب منطقه آشنا شوند. البته هدف غایی نویسنده این گزارش توصیفی، آن است که متخصصان امر و مدیران، آموزش های نظامی را به ارزش بسیار و نهفته این گزارش های عملیات برای تبدیل به متون آموزشی واقف کند.

بخش دوم، به ارزیابی برادر داوود رنجبر از گزارش عملیات مورد بحث این گزارش توصیفی، اختصاص دارد. وی که از راویان وقت مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ بوده اند در مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۳ (دو سال پس از تدوین گزارش عملیات) این ارزیابی را انجام داده اند. این ارزیابی با این هدف نقل می شود که روشن شود مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ گزارش های تهیه شده درباره عملیات ها را که برای ثبت در تاریخ جنگ و نیز بهره برداری فرماندهان و تصمیم گیرندگان تهیه می شده است، چگونه با دقت و وسواس ارزیابی و کنترل می کرده است.

بخش سوم، گزارشی از فهرست مطالب مورد بحث در دو

مجلد گزارش عملیات قرارگاه نجف، با این هدف که پژوهشگران حوزه جنگ ایران و عراق آگاه شوند که چه نکات ریز و درشتی در تدوین گزارش های عملیات به وسیله راویان، حائز اهمیت بوده است.

در پایان برای همه شهیدان دفاع مقدس و شهیدان اهل قلم که هشت سال دفاع را روایت کردند، به ویژه شهید علی فتحی، بلندی مرتبه شان را نزد خداوند آرزو می کنیم.

بخش اول:

چگونگی انتخاب منطقه عملیاتی و ارتباط آن با منطقه

عملیات فاو^۱

پیرامون انتخاب منطقه عملیاتی صف در چند مقطع باید بحث نمود. ولی به لحاظ جلوگیری از پراکندگی بحث و اهمیتی که این عملیات به مرور در ذهن و فکر مسئولین و فرماندهان سپاه می یافت سه مقطع را می توان برای آن منظور داشت:

۱- پیش از اصلی شدن فاو

۲- پس از اصلی شدن فاو

۳- نزدیک عملیات فاو

که این مقاطع با توجه به نگرشی که پیرامون انجام و یا عدم انجام عملیات فاو و جایگاه عملیات فاو می توانست داشته باشد مورد نظر بوده و تفکیک می گردد. انتخاب منطقه عملیات صف در ارتباط تنگاتنگ دو منطقه عملیاتی صف و فاو در مقاطع فوق و در موارد ذیل قابل توجه می باشد:

الف: به لحاظ جغرافیایی، منطقه ای و نظامی

ب: به لحاظ صرف توان مفید و نیرو و امکانات از جانب مسئولین و فرماندهان

ج: به لحاظ پیوستگی و یا گسستگی دو عملیات صف و فاو حساسیت منطقه عملیات صف و نزدیکی آن به بصره که هدف اصلی در استراتژی نظامی ج.ا.ا. می باشد، اهمیت فوق العاده و موقعیت ویژه ای به آن می بخشید که در همه مقاطع و شرایط جایگاه خاص و برگزیده ای به خود اختصاص داده و نقش برجسته ای را دارا می باشد، بنابراین با در نظر گرفتن این مطلب که تا زمانی که بصره به عنوان هدف

الف ۷- به لحاظ جغرافیایی، منطقه ای و نظامی:

در این مقطع دید خاصی روی عملیات صف مطرح نبود و شاید بتوان گفت همان اهدافی را که برای انجام عملیات محدود دنبال می شد، پیرامون این عملیات نیز مد نظر بود، مضاف بر اینکه به واسطه حساسیت منطقه مزبور گرفتن یک جاپا برای عملیات آتی (غیر از والفجر ۸ و فاو) و در راستای استراتژی جنگی (یعنی بصره)، بیشتر از سایر اهداف می توانست منظور نظر باشد.

در این برهه چون عملیات صف صرفاً به عنوان یک عملیات محدود و مستقل مورد نظر بود، لذا هیچ گونه ارتباط منطقه ای نظامی نسبت به عملیات فاو برای آن قائل نبودند. این مطلب درباره عکس آن هم صادق است، بدین صورت که هیچ گونه ارتباط منطقه ای نظامی از جانب عملیات فاو نسبت به آن قائل نمی شدند.

ب ۷- به لحاظ صرف توان مفید و نیرو و امکانات از جانب

مسئولین و فرماندهان:

در مقطع زمانی مزبور که فعالیت جدیدی در خصوص منطقه صف پس از واگذاری آن به برادر عزیز جعفری و قرارگاه کربلا صورت می گرفت، موضوع دیگری در حال شکل گیری و طرح بود که به نوعی این فعالیت را تحت الشعاع خود قرار می داد. این موضوع جدید آغاز مباحث بسیار جدی و تعیین کننده انتخاب مناطق عملیاتی متناسب با توان و ردی عملیات فاو بود که با شدت و ضعف هایی از جانب فرماندهان قرارگاه ها و نیروی زمینی سپاه مطرح شده بود، که عدم انجام عملیات فاو و پیگیری جدی تر عملیات محدود به عنوان گذر از مقطع ایجاد شده در جنگ پیشنهاد می گردید.

این مباحث از طرفی مسئولین و فرماندهان را از صرف توان مفید برای عملیات مختلف از جمله فاو و صف تا حدودی باز داشته و از طرف دیگر به واسطه تردید پیرامون انجام و یا عدم انجام عملیات فاو بلا تکلیفی خاصی را نیز در خصوص پیگیری سایر عملیات از جمله صف ایجاد کرد.

اصلی استراتژی نظامی ج.ا.ا وجود دارد اهمیت منطقه نیز به قوت خود باقی است، ارتباط تنگاتنگ انتخاب منطقه عملیات صف با عملیات فاو را بیان می کنیم.

۱- پیش از اصلی شدن فاو

در این مقطع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بنا به دلایلی چند که قسمت هایی از آنها نیز بحث گردید عملیات محدود را در دستور کار خویش قرار داده بود. این عملیات که عمدتاً با هدف گرم نگه داشتن جبهه ها، گرفتن اسیر، بسیج مردم در جنگ و آزاد سازی برخی نقاط مهم مرزی صورت می گرفت، خود در جهت بالا بردن توان برای برخورد جدی تر نظامی فرصتی بسیار مغتنم را فراهم می نمود، که البته این مورد نیز جزء اهداف اصلی رو آوردن به عملیات محدود بود. این عملیات غالباً توسط خود یگان ها انتخاب و انجام می گردید. بدین ترتیب در آن جو برگزاری عملیات محدود، جزیره ام الرصاص هم به عنوان یکی از این قبیل کارها مورد توجه قرار گرفته و برادر محسن^۱ (در تاریخ ۶۴/۳/۲۹) از برادران می خواهد که لشکر ۲۷ حضرت محمد رسول الله (ص) روی ام الرصاص شروع به کار کند و در صورت امکان عملیات محدودی جهت تصرف آن انجام دهد.^۳

البته مأموریت مذکور^۲ به دلیل اینکه ارتش در کنار عملیات خود در شلمچه طرح تصرف (جزیره) ام الرصاص را هم گنجانده بود (منتفی گردیده و تصمیم گرفته شد) که لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) دیگر در این منطقه مأموریتی^۴ (نداشته باشد).

پس از مدتی مجدداً انجام عملیات در منطقه فوق در دستور کار سپاه قرار گرفت^۵ و این بار قرارگاه نوح مأموریت پیگیری آن را به عهده داشت. با واگذاری مأموریت دیگری به قرارگاه مذکور، پیگیری و انجام عملیات در جزیره ام الرصاص به برادر عزیز جعفری و قرارگاه کربلا^۶ محول گردید. تغییر و تحول اخیر در مهر ماه سال ۱۳۶۴ صورت گرفت.

حال با این مقدمه، موارد (الف، ب، ج) را در این مقطع بی می گیریم.

در این برهه چون فرماندهان و مسئولین یگان های شرکت کننده در عملیات نقشی در مباحث مذکور نداشتند لذا در حد توان به آماده سازی منطقه و عملیات می پرداختند^۸ که البته به این مجموعه، واحدها و مسئولین قرارگاه رانیز باید افزود.

ج ۷- به لحاظ پیوستگی و یا گسستگی دو عملیات صف و

فاو:

در مقطع زمان مورد بحث هیچ گونه پیوستگی، ارتباط و هماهنگی بین دو عملیات صف و فاو نمی توان قائل شد و باید به هر کدام از آنها به صورت مقوله ای جداگانه نگریست، زیرا که در این برهه هنوز در باره انجام و یا عدم انجام عملیات فاو به قطعیت نرسیده بودند تا پیوستگی و یا گسستگی را بین این دو عملیات بتوان مطرح کرد. از طرف دیگر انجام عملیات صف از مجموعه عملیات محدود و با همان اهداف و با استقلال کامل از سایر عملیات از قوت و استحکام خیلی بیشتری نسبت به فاو مطرح می گردید و فقط اگر بحثی در این خصوص وجود داشت پیرامون اصولاً انجام عملیات محدود و یا زمان انجام عملیات (صف) بود.

عدم پیوستگی و یا گسستگی دو عملیات صف و فاو را از این جمله برای علی شوشتری قائم مقام فرماندهی قرارگاه نجف^۱ نیز می توان تا حدودی استنباط کرد، که آن را به عنوان حسن ختام این بحث نقل می کنیم:

اولاً «منطقه ام الرصاص چیزی بود که قبل از اینکه خود منطقه فاو در نظر گرفته شود، این (منطقه ام الرصاص) برای یک عملیات محدود در نظر گرفته شده بود. روی آن هم کار شده بود، تا حدودی هم آماده بود که ۲ ماه و ۳ ماه و حتی ۴ ماه قبل از منطقه اینجا (فاو) عمل بشود.»^۹

۲- پس از اصلی شدن فاو

این مقطع پس از گذر از مباحث بسیار جدی و تعیین کننده انتخاب مناطقی عملیاتی متناسب با توان که در اواخر آبان ماه و اوایل آذرماه و بین فرماندهان قرارگاه های رزمی و فرماندهان نیروی زمینی سپاه از یک طرف و فرماندهی کل سپاه از طرف دیگر آغاز می گردد.

نتایج این مباحث که ارتباط تنگاتنگ و بسیار نزدیکی با بحث مورد مطالعه داشته و همچنین آغازی است جهت پیوستگی دو عملیات صف و فاو و نیز تقسیم مأموریت ها از جمله صف بین قرارگاه ها، چنین می باشد:

- تعیین عملیات فاو به عنوان عملیات اصلی.

- مسافرت برادر ...، گرفتن مسئولیت از برادر ... و تعیین مأموریتی غیر از فاو برای برادر ... و یا به عبارتی کنار گذاشته شدن سه برادر فوق^{۱۰} (هر یک به نوعی، به واسطه مخالفت با عملیات فاو).

- تعیین دو عملیات یدک و دو عملیات محدود در کنار عملیات اصلی فاو به شرح زیر:

عملیات محدود انصار: پاسگاه معلق (جنوب جزایه)

عملیات یدک حنین: ابو خصاب شمال هور (شمال و جنوب ابو خصاب)

عملیات یدک تبوک: الحسان تا البیضه

عملیات محدود صف: جزیره ام الرصاص و جزایر اطراف آن مع الوصف با مقدمه فوق مطالب این بحث را ادامه می دهیم. پس از اصلی شدن فاو به عنوان عملیات اساسی و گسترده در این مقطع، عملیات صف همچنان به عنوان یک عملیات محدود، مستقل باقی ماند، و این مطلب از آنچنان قوت استحکامی برخوردار بود که حتی بنا داشتند پیش از عملیات اصلی (فاو)، عملیات صف را انجام بدهند که به دلیل پاره ای مشکلات^{۱۱} از برگزار کردن آن خودداری کرده و تصمیم به انجام آن به طور همزمان با عملیات بزرگ دیگری می نمایند. توضیحات برادر عزیز جعفری^{۱۲} را در این خصوص نقل می کنیم:

«... عملیات ام الرصاص یعنی تصرف جزیره ام الرصاص به عنوان یک عملیات محدود قبل از عملیات اساسی والفجر ۸ قرار بود که آماده اش بکنیم. جزیره ام الرصاص به دلیلی که محدود بود، محدودیت خیلی زیادی داشت. منطقه اش باریک بود و تنهایی نمی شد عملیات را انجام بدهیم. ما به این نتیجه رسیدیم که این عملیات ام الرصاص باید همزمان با یک

این مقطع ارتباطاتی بین این دو به وجود می‌آید که تا حدودی روشن‌گر چگونگی نگرش و دید پیرامون منطقه عملیاتی صف و انتخاب آن در کنار عملیات فاو می‌باشد. علی‌ای حال با این زمینه موارد (الف، ب، ج) را در این مقطع پی می‌گیریم.

الف/۷: به لحاظ جغرافیایی منطقه‌ای و نظامی:

همان‌طور که از سه بحث مشخص گردید در آغاز این مقطع زمانی، یعنی پس از اصلی شدن عملیات فاو، هیچ‌گونه ارتباطی بین این دو منطقه عملیاتی به لحاظ جغرافیایی و نظامی وجود نداشت، زیرا که آماده‌سازی منطقه صف برای یک عملیات محدود آن هم پیش از عملیات فاو و استقلالی که برای هر یک از این دو عملیات مطرح بود، هیچ نقطه اشتراکی به لحاظ جغرافیایی و نظامی بین آنها متصور نبود.

ارزشمندی منطقه صف و ارتباط و همبستگی جغرافیایی نظامی بین دو منطقه صف و فاو از ابتدا، دلیل انتخاب منطقه صف به عنوان فریب و یا پشتیبانی عملیات اصلی نبوده است، ولی این نکته را نیز نمی‌توانیم نادیده بگیریم که هدف از منظور داشتن عملیات فریب و پشتیبانی در کنار عملیات اصلی، ایجاد تردید در دشمن نسبت به تشخیص وی پیرامون اصلی و یا فرعی بودن عملیات ایجاد تأخیر در حرکت دشمن انجام نقل و انتقالات به منطقه اصلی تحت پوشش منطقه فرعی و نهایتاً گرفتن زمان از دشمن جهت دستیابی به موانع و یا ایجاد موضعی قابل پدافند بوده که طبیعتاً ارتباطات جغرافیایی و نظامی هم در این باره معنی پیدا می‌کند.

مع الوصف با مطرح شدن همزمان دو عملیات مذکور و سپس تصویب عملیات صف، به عنوان عملیات پشتیبانی و طرح فریب نسبت به عملیات اصلی، به مرور ارزشمندی منطقه و همچنین ارتباطات جغرافیایی و نظامی بین دو منطقه فاو و صف بحث گردیده و تأثیرات متقابل نظامی را مطرح می‌نمودند.

ب/۷- به لحاظ صرف توان مفید و نیرو و امکانات از جانب

مسئولین و فرماندهان:

پس از گذراندن جلسات بسیار سنگین و جدی انتخاب

عملیات بزرگ تری باشد که به اصطلاح شدت آتش را کم بکند و دشمن همه حواس و فکر و ذهنش را روی اینجا نگذارد و بخواهد مثلاً اینجا را فقط با آتش از ما پس بگیرد.^۳ ما پیشنهاد داشتیم که در پشتیبان این، یک عملیات دیگر انجام بشود و این به تنهایی انجام نگیرد. پاتک ندارد ولی با آتش شدید، تلفات زیادی از ما می‌گیرد.»^۴

پس از قبول پیشنهاد همزمانی عملیات صف با یک عملیات دیگر، مطلب دیگری که در مقطع مزبور هنوز تصمیم قاطعی درباره آن اتخاذ نشده بود مجدداً عنوان می‌گردید. این مطلب که نقش و جایگاه ویژه‌ای در ارتباط با عملیات فاو برای آن قائل بودند، عملیات فریب و پشتیبانی بود. که در این باره بیشتر انجام عملیات از جزیره مینو و یا در مقابل خسروآباد قسمت پیچ رودخانه اروند مد نظر بود و نهایتاً به این نتیجه رسیدند که عملیات صف به عنوان پشتیبان عملیات اصلی (فاو) و همچنین فریبی جهت آن منطقه باشد.

برادر عزیز جعفری در این باره چنین توضیح می‌دهد:

«... ما گفتیم این عملیات باید حتماً با یک عملیات بزرگ دیگر همزمان باشد. مثلاً این عملیات ام الرصاص به عنوان پشتیبان آن عملیات اصلی باشد. که در جلسه‌ای هم که با آقای هاشمی در جماران بود، ما این پیشنهاد را هم آنجا دادیم و آنها هم پذیرفتند که اینجا (ام الرصاص) به عنوان یک تک پشتیبان و الفجر ۸ باشد.»

توضیحات برادر شوشتری را در زمینه چگونگی انتخاب این عملیات برای فریب دشمن در ذیل نقل می‌کنیم:

«... اصلاً یک لطف خدایی بود، کار خدایی بود که یک برنامه ریزی این چنینی برایمان درست کرد. در بحث‌ها به این نتیجه رسیدند که ما یک فریبی دور داشته باشیم... دوم اینکه یک فریب نزدیک داشته باشیم.»

که در این باره عملیات صف به عنوان فریب عملیات اصلی مطرح و تصویب می‌شود.

با قبول و تصویب این مطلب که عملیات صف به عنوان عملیات پشتیبانی و فریب عملیات اصلی (فاو) باشد، عملاً در

مناطق عملیاتی متناسب با توان و رد عملیات فاو که در اول گزارش بدان اشاره شده است و عبور از این مرحله بسیار حساس، این مقطع آغاز می‌گردد. مباحث مطرح شده در جلسات و نتایج حاصله مسلماً تأثیراتی هرچند ناچیز در روحیه فرماندهان و مسئولین شرکت کننده داشته است. که این مطلب دقیقاً در صرف توان مفید و پیگیری امور به طور ناخودآگاه دخالت داشته و مؤثر بود. به خصوص اینکه این مباحث منجر به حذف سه نفر از فرماندهان اصلی و عاملان مؤثر، از دور عملیات فاو گردیده بود.

از طرف دیگر انتخاب فاو به عنوان عملیات آن هم با کیفیتی خاص که در گزارش قرارگاه خاتم و قسمت اول همین گزارش به آن اشاره شده است تمام امکانات و نیرو را به آن سمت کشانده و نظرات مسئولین و فرماندهان را نیز به خود جلب نمود، و منطقه صف هر چند که عملیات پشتیبانی و فریب عملیات اصلی بود ولی غربت خاصی را بر خود می‌دید و این بین فقط فرماندهی کل بود که به اتفاق برادر عزیز جعفری با حضور در یگان‌های شرکت کننده در عملیات صف باعث ایجاد توازن نسبی بین یگان‌های دو عملیات می‌شد. این حرکت فرماندهی کل از طرف دیگر روحیه لازم را به فرماندهان و مسئولین و رزمندگان یگان‌ها جهت صرف حداکثر توان و نیرو و امکانات برای آماده سازی عملیات می‌گردید. هرچند فرماندهان و مسئولین یگان‌های عملیات صف و حتی تعداد عمده‌ای از مسئولین واحدهای قرارگاه به واسطه^۳ عدم اطلاع از مباحث تعیین مأموریت و نداشتن نقش در این باره از هیچ کوششی در زمینه آماده سازی عملیات دریغ نمی‌داشتند.

ج/۲- به لحاظ پیوستگی و یا گسستگی دو عملیات صف و

فاو:

در این مقطع که با قطعیت یافتن فاو به عنوان عملیات اصلی شروع می‌شد ابتدائاً هیچ‌گونه پیوستگی و یا همسویی بین دو عملیات صف و فاو مطرح نبود. زیرا که در همین زمان عملیات صف نیز به عنوان یک عملیات محدود که باید قبل از

عملیات اصلی انجام شود تصویب گردیده بود. یعنی اینکه استقلال دو عملیات و عدم وجود نقطه اشتراکی بین آنها تأیید و محرز می‌باشد.

با تصمیم بر انجام همزمان دو عملیات صف و فاو و تصویب این مطلب که عملیات صف به عنوان عملیات پشتیبانی و یا فریب منطقه اصلی (فاو) قرار گیرد، ارتباط و پیوستگی دو عملیات نیز آغاز می‌گردد. ولی به واسطه گستردگی و حساسیت عملیات فاو و همچنین کیفیت و نحوه اصلی شدن آن، تمامی نظرها و فعالیت‌ها به آن منطقه جلب می‌شود، که نتیجتاً در این بین عملیات صف تحت الشعاع عملیات اصلی قرار گرفته و به عنوان یک امر حاشیه‌ای با آن برخورد می‌شود. این‌گونه برخورد با عملیات صف عملاً باعث گسستگی و شکاف مابین دو عملیات می‌گردد. در این زمان فقط ابتکار و درایت فرماندهی کل سپاه بود که با حضور در یگان‌ها که به اتفاق برادر عزیز جعفری صورت می‌گرفت و سرکشی از آنها و بررسی تمام مسائل و زوایای عملیات صف سعی در پیوستگی بیشتر بین دو عملیات و پرکردن شکاف ایجاد شده داشت.

۳- نزدیک عملیات فاو:

با نزدیک شدن زمان عملیات که طبیعتاً تراکم و فعالیت شدیدی در امر آماده سازی مهندسی و نقل و انتقالات و... را نیز به همراه داشت، انتخاب منطقه صف به عنوان فریب و پشتیبان عملیات اصلی معنی و مفهوم واقعی خود را می‌یابد. به خصوص اینکه ارتش نیز در غرب منطقه عملیاتی صف و به قصد تصرف شلمچه و جزیره بوارین جابه‌جایی‌ها و تحرکات بسیار آشکاری را از خود نشان می‌داد. اقدامات و تحرکات فوق از جانب نیروهای خودی باعث جلب توجه دشمن به منطقه عملیات صف و مناطق جانبی آن که اهداف ارزشمندی می‌باشند می‌گردید.

دشمن با توجه به تبلیغات گسترده و حرکت نیروهای راهیان کربلا، طبیعتاً عملیات عظیم و اساسی را از ما انتظار داشت و هنگامی که تحرکات اخیر و اجتماع نیروهای ارتش و سپاه را

استقرار آنها در دیدگاه‌ها.

۳- اجرای تمرین در رده تیپ در منطقه حفار علی (نهر کارون)، و تمرین دیگری در رده گردان پیاده در شرق آبادان در مورخ ۱۰/۲۶ و ۶۴/۱۷۱.

۴- تخلیه قسمتی از مواضع و مناطقی که توسط نیروهای ژاندارمری اشغال شده بود. همان طوری که در بعضی از نامه‌های ارسالی بر روی شبکه مخابراتی ژاندارمری به آن اشاره گردید و اشغال آن به وسیله سپاه و ارتش.

۵- در مورخ ۶۴/۱۷۸ اشاره گردیده بود که شبکه بیسیمی قرارگاه مقدم تیپ ۵۵ (هواپرد ارتش) چتر باز به منطقه جفیر و از آنجا به منطقه مارد نقل مکان نمود. همچنین از رسیدن دو گردان از آن تیپ به همان منطقه اطمینان حاصل گردیده است. **دوم**- افزایش تعداد خودروهای ردیابی و دیدبان شده احتمالاً برای این است که واحدهایی از ارتش به منظور اشغال مواضعی که نیروهای ژاندارمری در آنجا مستقر بودند وارد منطقه گردیده و همچنین افزایش تعداد خودروهای مهندسی که در مناطق فعالیت روبه روی این لشکر مشغول خاک ریزی می‌باشند.

سوم- ظاهر شدن خودروهای حامل قطعات پل خیبری که از آبادان به خسروآباد و به طرف جنوب در حال حرکت بوده نشان دهنده یکی از احتمالات زیر است:

۱- فریب دادن ما زیرا که به تصور اینکه حمله آینده در منطقه این لشکر (لشکر ۲۲) انجام خواهد گرفت نظر و توجهات نیروهای خود را متوجه این منطقه نموده در صورتی که حمله در منطقه دیگر می‌باشد.

۲- تکمیل تلاش مهندسی دشمن که در منطقه روبه روی این لشکر جهت نصب پل در مناطق نهرها به طور گسترده انجام می‌گردد.

۳- انبار کردن آنها در مناطق نخلستانی تا در مراحل بعدی هرگونه حمله به منطقه فاو از آن استفاده نماید.

چهارم- تداوم افزایش تلاش مهندسی به ویژه در جلوی منطقه این لشکر جهت تکمیل هرچه سریع‌تر کلیه جاده‌های

با حساسیت فوق العاده منطقه صف و ارزشمندی هر یک از اهداف موجود در آن به ویژه بصره که در استراتژی جنگ ج.ا.ا. نقش بسزایی دارد در کنار یکدیگر و در یک مجموعه قرار می‌داد و بررسی می‌نمود بالا جبار به این تحلیل کشیده می‌شد که عملیات اصلی از این نقطه (منطقه صف) آغاز خواهد شد و سایر اقدامات فریبی بیش نیست. برادر عزیز جعفری در این خصوص چنین می‌گوید:

« بحمدالله جداً جای شکرش باقی است درباره این لطف الهی، که واقعاً چشم و گوش دشمن را بست و دشمن هنوز متوجه عملیات اصلی ما نشده است. در اینجا (منطقه صف) به دلیل اینکه ارتش در کنار (سمت راست) ما، محور شلمچه عمل می‌کند دشمن از دو سه روز قبل که بمباران را شروع کرد متوجه این منطقه هم شده ولی محور اصلی عملیات را هنوز متوجه نشده و باورش نمی‌شود و فکر می‌کند آنجا (منطقه فاو) فریب است.»

البته در اسناد به دست آمده پس از عملیات، دشمن با توجه به شواهدی، مطلب فوق را تأیید می‌کند و دلایلی را مبنی بر اهداف عملیات از منطقه صف ارائه داده و به یگان‌های خود اعلام می‌دارد؛ که به واسطه اهمیت فوق العاده آن قسمت‌هایی از نامه مذکور را عیناً در ذیل نقل می‌کنیم:

«موضوع: نتیجه گیری‌ها در دستورالعمل‌ها»

نامه به کلی سری شماره ۵۳۵ مورخ ۱۳۶۴/۱۷/۱۵ فرماندهی سپاه هفتم (اطلاعات).

الف: نتیجه گیری‌ها:

اول- دلایل زیر نشان دهنده تغییر مقاصد احتمالی دشمن از منطقه سپاه هفتم به منطقه لشکر ۱۱ و قسمتی از منطقه لشکر ۱۵ (جزیره ام الرصاص) می‌باشد:

۱- شناسایی تبعات نیروهای دشمن و محل‌های استقرار آنها و نیز کشف مقاصد سمت حمله او که این منجر به فقدان اصل غافلگیری دشمن گردیده است.

۲- استقرار واحدهای جدید توپخانه در محل‌های توپخانه ژاندارمری و رسیدن برخی از فرماندهان توپخانه ارتش و

عمودی و عرضی منتهی به منطقه روبه روی رأس البیشه و نیز احداث خاکریزهایی در اطراف آنها بوده تا حرکت سریع یگان های دشمن در هرگونه تعرضی در آینده و با بکارگیری بیش از یک جاده به منظور نزدیک شدن به منطقه احتمالی عبور تأمین گردد.

پنجم - ظاهر شدن هواپیماهای هدایت شونده به منظور فریب و نیز شناسایی آرایش پدافندی خودی به ویژه تیربارها و سلاحهای ضد هوایی می باشد.^{۱۹}

جلب توجه دشمن از فاو به صف که اقداماتی را نیز در این خصوص به همراه داشت و به وجود آمدن این تحلیل خود باعث ارتباط و در هم آمیختگی دو منطقه عملیاتی صف و فاو می گردید. به نحوی که تفکیک دو منطقه فوق از یکدیگر، بسیار مشکل و ناممکن می شد. البته این مطلب و نحوه پرداختن و نگرش به آن همه گیر نبوده و مختص برادر محسن رضایی در قرارگاه خاتم بوده و همچنین در عزیز جعفری و سایر فرماندهان قرارگاه نجف ا خلاصه می شد.

علی ای حال هر چند موارد (الف، ب، ج) در این مقطع، توضیح داده شد ولی باز هم به طور اجمال نکاتی درباره هر یک از آنها اشاره می شود.

الف/۳- به لحاظ جغرافیایی منطقه ای و نظامی:

در این مقطع که آخرین هماهنگی ها جهت آمادگی نهایی برای عملیات صورت می گرفت، بروز ارتباطات نهفته و آمیختگی ناپیدای دو منطقه صف و فاو به لحاظ جغرافیایی و نظامی آشکار می گشت، و در کنار حساسیت و اهمیت نظامی و استراتژیکی خاص منطقه صف گاهاً مباحثی را بر ما تحمیل و به خود اختصاص می داد.

مروری مجدد در اهمیت و حساسیت منطقه عملیاتی صف به لحاظ جغرافیایی منطقه ای و نظامی ضرورت این بحث را بیشتر مشخص می نماید:

- نزدیکی به بصره که در استراتژی نظامی ج.ا.ا. هدف اول می باشد و در حقیقت منطقه صف یکی از راه های وصولی بصره می باشد.

- عبور از اروند و رسیدن به خور الزبیر و بستن این تنگه که حدود ... کیلومتر^{۲۰} عمق دارد باعث مسدود شدن آن، و در نتیجه قطع جاده های اطلاعاتی بصره فاو می گردد که محاصره همه جانبه شبیه جزیره فاو را به دنبال دارد.

- دلیل فوق و تجمع نیروهای اسلام در منطقه صف، باعث ایجاد تردید جدی در حرکت همه جانبه دشمن به سمت فاو (منطقه عملیات اصلی) می شود.

- دشمن جهت رسیدن به فاو و تقویت این منطقه لاجرم باید از تنگه الزبیر و به عبارتی از جلوی منطقه عملیاتی صف عبور کند و عملیات در این نقطه باعث تأخیر و تردید در حرکت وی به سمت فاو می گردد.

با توجه به دلایل فوق منطقه صف، اولین نقطه فشار دشمن جهت برخورد و مقابله با کل عملیات می باشد که این مطلب باعث به وجود آمدن زمان جهت ایجاد موانع و مواضع قابل پدافند و تثبیت منطقه تعریف شده می باشد.

- حساسیت و اهمیت منطقه صف باعث فریب دشمن به لحاظ استراتژیکی قبل از انجام عملیات می باشد.

- حساسیت و اهمیت منطقه صف و وضعیت جغرافیایی آن که بر سر راه منطقه اصلی عملیات (فاو) قرار گرفته باعث انحراف فکر دشمن پیرامون نقل و انتقالات انجام شده به آن منطقه می گردد.

حال با این زمینه مطالبی را که برادران در خصوص ارتباط دو منطقه صف و فاو به لحاظ جغرافیایی و نظامی بیان داشته اند نقل می کنیم:

برادر عزیز جعفری:

« این فریب دشمن با توجه به وضعیت کلی است. این منطقه [صف] که این جلوی یک گلوگاه است (تنگه الزبیر) فکر می کند که ما یک تک فریبی کرده ایم در پایین (فاو) تا نیروهای دشمن را بکشانیم توی این به اصطلاح کیسه، بعد با توجه به نمود نیروهای ارتش و سپاه که پشت این خاکریز است، یعنی اجتماع نیروهای ارتش و سپاه را تک اصلی می دانند، با توجه به این فکر می کند که ما آنجا (فاو) عمل کردیم که این نیروها

جلوی ما را سد کرده و ما را زمینگیر کند این است که حتی از اینجا ما را عقب بزند، به عبارت دیگر، هدفش این می شود که اینجا ما را عقب بزند و جلوی پایین (فاو) را بگیرد. یعنی پایین را شل نمی کند که ما بتوانیم از پایین هم بیاییم و این چیزی که در ذهنش دارد یعنی اول سد می کند پایین را و از طرف دیگر از اینجا پاتک هایش را به طور قوی و مداوم شروع می کند، موقعی که از این طرف خیالش راحت شد می رود به سمت پایین (فاو)»^{۲۴}

برادر شوشتری:

«این جوری در نظر بگیرید که نصف ارتش عراق به شما حمله می کند اینجا. شما اینجا (منطقه صف) در نظر بگیرید که یک لشکر یا دو لشکر با یک قرارگاه تیپ که همان جاست (وارد عمل می شود)»^{۲۵}

«هدف، هدف کوچک و حساس است. برای دشمن خیلی حساس است، این درست از نظر حساسیت اندازه هدف پایین (فاو) برایش حساس است و تازمانی که اینجا را مسئله اش را حل نکند به پایین نخواهد رفت، یعنی نصف ارتش عراق اینجا درگیر می شود.»^{۲۶}

برادر علی شوشتری در جای دیگری درباره انتخاب منطقه و ارتباط آن با منطقه فاو به لحاظ جغرافیایی و نظامی چنین می گوید:

«این فریب نزدیک (در منطقه صف) در تأخیر دشمن به پایین (فاو) جلوگیری می کرد، دشمن نمی توانست با تمام توان جرئت به خودش بدهد با وجود نیروی ما در آنجا (در منطقه صف) حرکت کند و بیاید پایین. همین که در پناهش استفاده شد برای آوردن نقل و انتقال، این دلیلش برای انتخاب زمین برای عملیات پشتیبانی و یا فریب، بهترین چیز بود، ولی انتخابش از طرف خدا بود، از نیروهای نظامی نبود، خدا بود که بالاخره این جوری در فکر برادرها انداخت و این جور برنامه ریزی هایی از اول نشده بود که به دلایلی عملی نشده بود و ماند و آخر هم نتیجه مثبت و خوبی داد.»^{۲۷}

با توجه به مباحث فوق، ارتباط و در هم آمیختگی دو منطقه

را بکشیم داخل، بعد از اینجا (منطقه صف) هجوم بیاوریم این دهنه را ببندیم. وحشت دارد از این حرکت و این خیلی ارزش دارد.»^{۲۸}

برادر سوداگر:

«... دشمن دو تا احتیاط عمده یکی شرق بصره دارد یکی شرق عماره، این احتیاط عمومی دشمن که مواضعش مشخص است، طرح های پاتکش آماده است و در شرق بصره مستقر است از بغل شلمچه وارد عمل می شود، دارد عمل شدن مادر ام الرصاص یک زمان را به دشمن می دهد که دشمن از این گلوگاه و... تا پل بصره و نشوه وارد عمل شود و بیاید جلوی ام الرصاص جلوی ما موضع بگیرد و آمدن توی این منطقه که آمادگی ندارد یک زمان می خواهد. حالا فرض بگویم ۳ روز یا ۴ روز تا بتواند بر علیه پایین (فاو) وارد عمل بشود، یا اگر عملیات پایین (فاو) پس از این (عملیات صف) باشد آن عملیات، این احتیاط دشمن را می کشد توی این منطقه تا بتواند در اینجا وارد عمل بشود و در صورتی که ۴۸ ساعت بعد از آنجا (فاو) عمل کنیم قدر مسلم این است که دشمن با یک عمل انجام شده ای روبرو می شود و احساس می کند که این یک فریب بوده و ممکن است ما از اینجا باز بشویم و برسیم به آن انتهای خور عبدالله و نیروی دشمن را اینجا گیر بیندازیم.»^{۲۹}

برادر حشمت مسئول طرح و عملیات تیپ امام حسن (ع):

«... اگر همزمان در این دو منطقه (صف و فاو) به دشمن بزنیم، دشمن احتیاطش را وارد منطقه می کند،... و نیروی عمده ای را جلوی ام الرصاص می گذارد تا اینها را (این منطقه را) بگیرد و همزمان نیروهای احتیاط بیشتری را به طرف پایین (فاو) می فرستد. یعنی اگر همزمان بزنیم، یک نیروی احتیاط برای اینجا (منطقه صف) می گذارد و یک نیروی احتیاط بزرگ تر از این به سمت پایین (فاو) می فرستد و حرکتی که به نظر من می خواهد بکنند این است که منطقه پایین را سد بکنند. یعنی در مرحله اول می خواهد منطقه پایین را فقط سد بکند و درباره اینجا (منطقه صف) هدفش این است که علاوه بر اینکه مطمئناً

صف و فاو به لحاظ جغرافیایی و منطقه‌ای و نظامی مشخص شده و محرز گردید و همان طور که روشن شد این مسائل در قرارگاه نجف ۱ و فرماندهان یگان‌های عمل کننده در آنجا مطرح بود و در قرارگاه خاتم صرفاً برادر محسن رضایی عنایت خاصی برای این ارتباط قائل بوده و به این آمیختگی دو منطقه اهمیت ویژه‌ای می‌دادند.

ب-۳۷- به لحاظ صرف توان مفید و نیرو و امکانات از جانب

مسئولین:

علیرغم همبستگی و اختلاط دو منطقه صف و فاو که با نزدیک تر شدن زمان عملیات اهمیت آن بیشتر می‌گردید، صرف توان از جانب مسئولین و قرارگاه خاتم به طور عکس کاسته می‌شد که البته با توجه به اصلی بودن عملیات (فاو) این مطلب تا حدودی طبیعی جلوه می‌نمود. با وجود این حساسیت ویژه منطقه صف چنین اقتضا می‌کرد که توجه بیشتری از جانب مسئولین چه درباره صرف توان مفید و چه صرف نیرو و امکانات در حق آن بشود.

فرماندهی قرارگاه نجف ۱ در این باره چنین می‌گوید:

«خوب اینکه طبیعی بود وقتی که یک جامی خواهد عملیات اصلی و مشکلی مثل اینجا (فاو) انجام بگیرد، همه توجه‌ها و وسایل به آن سمت باشد.»

البته دید خود برادر محسن و اینها، شاید این جوری نبود ولی خوب بچه‌های تدارکات یا واحدها (این مسائل را رعایت نمی‌کردند). خود به خود این چیز طبیعی است که وقتی یک جایی دیگر را عملیات اصلی می‌دانند و (یک منطقه را) تک پشتیبانی، خود به خود پشتیبانی بودن یک مقداری اثر می‌گذارد.»

نکته قابل ذکر در اینجا، توجه برادر محسن و عنایت خاص ایشان به منطقه صف و عملیات در این نقطه بود، ولی ایشان نیز به واسطه درگیری و مشغله بیش از حد درباره عملیات فاو، توان قابل ذکری پیرامون منطقه صف صرف نمی‌کردند.

در این مقطع صرف توان و نیرو از جانب فرماندهان و مسئولین واحدهای قرارگاه و یگان‌های عمل کننده در منطقه

صف در حد بسیار بالا و جداً قابل تحسین بود.

ج-۳۷- به لحاظ پیوستگی و یا گسستگی دو عملیات صف و

فاو:

در این مقطع با توجه به آشکار شدن اهمیت و حساسیت غیر قابل انکار منطقه صف و اشتراک و پیوستگی دو عملیات صف و فاو، وضعیت پیوستگی و یا گسستگی دو عملیات همانند مقطع قبلی بوده و هیچ گونه تلاشی نیز جهت نزدیکی این دو و ترسیم شکاف موجود انجام نمی‌گرفت و غیر از برادر محسن رضایی و یکی دو نفر دیگر از برادران قرارگاه خاتم بقیه برادران مسئول به عملیات صف و فاو به صورت دو مقوله جدا از یکدیگر می‌نگریستند.

بخش دوم:

ارزیابی اطلاعاتی

داوود رنجبر راوی دیگر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۳ ارزیابی خود را از گزارش عملیات مورد بحث این گونه اظهار کرده است:

در گزارش عملیات صف در والفجر ۸ (ام الرصاص) از برادر علی فتحی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. برادر عزیز و شهید ما از قوت قلم لازم و کیفیت بیان مطلب برخوردار بوده و گزارش خوبی را نگاشته است.

منتها با وجود این بنا به عللی از جمله تسریع در ارائه، این گزارش دارای نواقصی است. نواقصی که عمدتاً ناشی از تسریع در ارائه، به وجود آمده عبارت است از:

- پیرامون اقدامات چندین ماهه قرارگاه و یگان‌ها در کسب آمادگی بحثی صورت نگرفته است.

- شرح عملیات نسبت به مباحث دیگر دارای ضعف در پرداخت و نقص در (احتمالاً) اطلاعات است و صرفاً وقایع بدون هیچ تحلیل و پرداخت مناسب [بر خلاف] آنچه که در قسمت‌های دیگر از نگارنده وجود دارد، بیان شده است.

در استفاده و به کارگیری از نقل قول افراط شده است؛ عموماً عین متن پیاده شده و محاوره‌ای است.

در بعضی جاها ضرورت دستکاری و تفهیم مطلب وجود

دارد.

در مجموع این گزارش کیفیت لازم را از جهت نگارش داراست منتها یک چک سریع توسط ویراستار انجام شود بهتر است. [گزارش] آماده تایپ و آرشیو است.

بخش سوم:

فهرست کل مباحث گزارش عملیات قرارگاه نجف در

عملیات والفجر^۸

الف) انتخاب منطقه:

چگونگی انتخاب منطقه عملیات صف و ارتباط آن با منطقه عملیات فاو

۱- پیش از اصلی شدن فاو

الف/۷- به لحاظ جغرافیایی منطقه ای و نظامی

ب/۷- به لحاظ صرف توان مفید و نیرو و امکانات از جانب مسئولین و فرماندهان

ج/۷- به لحاظ پیوستگی و یا گسستگی دو عملیات صف و فاو

۲- پس از اصلی شدن فاو

الف/۲- به لحاظ جغرافیایی منطقه ای و نظامی

ب/۲- به لحاظ صرف توان مفید و نیرو و امکانات از جانب مسئولین و فرماندهان

ج/۲- به لحاظ پیوستگی و یا گسستگی دو عملیات صف و فاو

۳- نزدیک عملیات فاو

الف/۳- به لحاظ جغرافیایی منطقه ای و نظامی

ب/۳- به لحاظ صرف توان مفید و نیرو و امکانات از جانب مسئولین و فرماندهان

ج/۳- به لحاظ پیوستگی و یا گسستگی دو عملیات صف و فاو

ب) وضعیت نظامی منطقه:

تشریح نظامی منطقه عملیاتی: ۱- منطقه خودی ۲- منطقه دشمن ۳- سایر مشخصات و عوارض موجود در منطقه.

۱- منطقه خودی:

۷۱- عوارض مصنوعی

۷۷۱- نخلستان

۷۱۷۲- جاده ها و پل ها

۷۱۷۳- اسکله خر مشهر

۷۱۷۴- آبگرفتگی

۷۲- عوارض طبیعی

۷۲/۱- ساحل

۷۲/۷۱- ساحل خودی در ضلع جنوبی تقاطع کارون اروند

۷۲/۷۲- ساحل خودی از ضلع شمالی تقاطع اروند کارون تا

انتهای اسکله خر مشهر

۷۲/۷۳- ساحل خودی از انتهای اسکله خر مشهر تا تقاطع نهر

عرایض اروند

۷۲/۷۴- ساحل خودی در حد واسط بین نهر عرایض و تقاطع

نهر خین با اروند

۷۲/۷۵- ساحل نهر خین

۷۲/۲- رودخانه کارون

۷۲/۳- نهر عرایض

۷۲/۴- نهر خین

۲- منطقه دشمن:

۲/۱- سواحل اروند، واقع در جنوب و غرب اروند

۲/۷۱- بررسی منطقه از شمال جزیره سهیل تا کوت الزین

۲/۷۷۱- بررسی سواحل و نهرهای موجود در محدوده شمال

جزیره سهیل تا کوت الزین

۲/۷۷۲- وضع جاده های موجود در محدوده شمال جزیره

سهیل تا کوت الزین

۲/۷۲- بررسی منطقه از کوت الزین تا ابوالخصیب

۲/۷۲/۱- بررسی سواحل و نهرهای موجود در محدوده کوت

الزین تا ابوالخصیب

۲/۷۲/۲- وضع جاده های موجود در محدوده کوت الزین تا

ابوالخصیب

۲/۲- جزایر داخل اروند

۲/۲/۱- جزیره ام الرصاص

۲/۲/۲- جزیره ام البابی (شرقی و غربی)

۲/۲/۳- جزیره بلجانبه

۲/۲/۴- جزیره بوارین

- ۲/۲/۵- جزیره ام الطویله
- ۳- سایر مشخصات و عوارض موجود در منطقه:
- ۳/۱- کارخانه پتروشیمی
- ۳/۲- خور الزبیر
- ۳/۳- جاده های اصلی در منطقه دشمن
- ۳/۴- زمین منطقه
- ۳/۴/۱- نقاط و عوارض حساس منطقه
- ۳/۴/۲- وضعیت استقرار دشمن
- ۳/۴/۲/۱ در جزیره بوارین
- ۳/۴/۲/۲ در جزیره ام الرصاص
- ۳/۴/۲/۳ جزیره ام البابی شرقی و غربی
- ۳/۴/۲/۴ جزیره ام الطویله شرقی (یا ماهی)
- ۳/۴/۲/۵ ساحل جنوبی اروندرود
- ۳/۴/۳- استعداد آرایش و گسترش نیروهای دشمن
- ۳/۴/۴- آمادگی دشمن و تقویت منطقه
- ج) شناسایی**
- ۱- تیپ ۱۰ سیدالشهدا
- ۱-۱ شناسایی محور حضرت ابا عبدالله (ع)
- ۱-۲ شناسایی محور حضرت فاطمه زهرا (س)
- ۲- تیپ ۱۸ الغدیر
- ۲-۱ شناسایی محور حمزه سیدالشهدا (ع)
- ۲-۲ شناسایی محور سیدالشهدا (ع)
- ۲-۳ شناسایی محور امام حسین (ع)
- ۲-۴ شناسایی محور امام علی (ع)
- ۲-۵ شناسایی محور محمد رسول الله (ص)
- ۲-۶ شناسایی محور امام سجاد (ع)
- ۳- تیپ امام رضا (ع)
- ۳-۱ جزیره ام الرصاص
- ۳-۲ جزیره بوارین
- ۳/۲/۱- شناسایی محور نهر خین
- ۳/۲/۲- شناسایی محور بوارین (از داخل اروندر)
- ۳/۲/۳- شناسایی جزیره ام الطویله شرقی (ماهی)
- ۴- سایر محورها
- ۴/۱- شناسایی پشت ام الرصاص
- ۴/۲- شناسایی جزیره ام الرصاص
- ۴/۳- شناسایی جزیره ام البابی شرقی
- اتفاقات در طول شناسایی:**
- ۱- نحوه اسارت برادر علی محمد سیف الله
- ۲- نحوه اسارت برادران عیسی صفرزاده و عبدالله قاسم سمنانی
- د) فهرست بحث طرح مانور:**
- طرح های اولیه
- گسترش منطقه عملیات به جزیره بوارین
- طرح مانور اولیه
- هدف و مأموریت
- تغییر خط در بین دو یگان سیدالشهدا و الغدیر
- مانور یگانی:**
- ۱- طرح مانور تیپ ۲۱ امام رضا (ع)
- ۱-۱ مأموریت
- ۲/۱- استعداد
- ۳/۱- مانور کلی یگان
- ۱/۳/۱- مانور گردان کربلا
- ۲/۳/۱- مانور گردان فلق
- ۳/۳/۱- مانور گردان الحدی
- ۴/۱- نحوه شکستن خط
- ۵/۱- نقش واحدهای پشتیبانی و طرح مانور تیپ ۲۱ امام رضا (ع)
- ۱/۵/۱- ادوات
- ۲/۵/۱- توپخانه
- ۳/۵/۱- تخریب
- ۲- طرح مانور تیپ ۱۰ سیدالشهدا (ع)
- ۱-۱ مأموریت
- ۲/۲- استعداد
- ۳/۲- مانور کلی یگان

- ۱- طرح مانور تیپ ۲۱ امام رضا (ع)
- ۱-۱- مأموریت
۲-۱- استعداد
۳-۱- مانور کلی یگان
۱-۳/۱- مانور ریز یگان
۱-۷/۳/۱- محور دهنه خین
۲-۱/۳/۱- محور بوارین
۳-۱/۳/۱- محور جزیره ماهی
۴-۱/۳/۱- محور جزیره ام الرصاص
۲-۲/۳/۱- تدابیر مانور نیروهای غواص
۱-۷/۲/۳/۱- سلاح و سازمان هر گروه غواص
۲-۲/۳/۱- پوشش اطلاعاتی نیروهای غواص که از یک شب قبل باید در جزایر نفوذ نمایند
۳-۲/۳/۱- چگونگی تماس با غواص های اعزامی به مواضع دشمن یک شب قبل از عملیات
۴-۲/۳/۱- چگونگی اعلام ساعت حمله به نیروهای غواص که از یک شب قبل از عملیات باید در جزایر دشمن نفوذ می کردند
- ۲- طرح مانور تیپ ۱۰ سید الشهداء (ع)
- ۱-۲- مأموریت
۲-۲- استعداد
۳-۲- مانور کلی یگان
۱-۷/۳/۲- مانور ریز یگان
۲-۲/۳/۲- تدابیر مانور نیروهای غواص
۴-۲- تدابیر طرح مانور تیپ ۱۰ سید الشهداء (ع)
۱-۷/۴/۲- شکستن خط اول دشمن با آتش ساحلی
۲-۲/۴/۲- احتمال انهدام پل بین جزایر ام الرصاص و ام البابی غربی و تدبیر شکستن خط جزیره ام البابی غربی
- ۳- طرح مانور تیپ ۱۸ الغدیر
- ۱-۳- مأموریت
۲-۳- استعداد
۳-۳- مانور کلی یگان
- ۱-۳/۲- مانور گردان حضرت قمر بنی هاشم
۲-۳/۲- مانور گردان حضرت علی اکبر
۳-۳/۲- مانور گردان حضرت علی اصغر
۴-۳/۲- مانور گردان المهدی (عج)
۴-۲- نحوه شکستن خط
۵-۲- نقش واحدهای پشتیبانی در طرح مانور تیپ سیدالشهدا (ع)
۱-۵/۲- ادوات
۲-۵/۲- توپخانه
۳-۵/۲- تخریب
- ۳- طرح مانور تیپ ۱۸ الغدیر
- ۱-۳- مأموریت
۲-۳- استعداد
۳-۳- مانور کلی یگان
۱-۳/۳- مانور گردان امام حسن (ع)
۲-۳/۳- مانور گردان حضرت رسول (ص)
۳-۳/۳- مانور گردان حضرت امام حسین (ع)
۴-۳/۳- گردان های مستقر حزب الله و جند الله
۴-۳- نقش واحدهای پشتیبانی در طرح مانور تیپ ۱۸ الغدیر
۱-۷/۴/۳- ادوات
- تغییرات خط حد:**
- الف: تغییرات در خط حد یگان های عملیات صف
الف: تغییر خط حد مابین تیپ ۲۱ امام رضا (ع) و تیپ ۱۰ سید الشهداء (ع)
الف: تغییر خط حد مابین تیپ ۱۰ سید الشهداء و تیپ ۱۸ الغدیر
- ب: تغییرات در خط بین سپاه و ارتش در جزیره بوارین
تصمیم ستادهای جنگ درباره خط حد سپاه و ارتش
درخواست ارتش از سپاه جهت انجام عملیات به صورت مشترک در جزیره بوارین توافق نهایی درباره چگونگی و محدوده عملیات ارتش و سپاه در جزایر بوارین و ماهی
- طرح مانور نهایی:**

۱۳۳۳ مانور ریز یگان

وضعیت دشمن

تصمیم جدید برای چگونگی ادامه عملیات
بررسی آخرین وضعیت و دستور عقب نشینی

ه) فهرست بحث تدابیر کلی طرح مانور و نقش واحدهای

پشتیبانی:

۱- توپخانه

۲- ادوات

۱۲- پشتیبانی منطقه توسط ادوات تیپ انصار الحسین (ع) و

امام حسن (ع)

۲۲- بالا بردن سقف مهمات ادوات

۳۲- اجرای آتش روی نقاط حساس منطقه عملیاتی

۳- پوشش هوایی

۴- پیش بینی آتش ساحلی جهت شکستن خط

۵- زرهی

۶- مهندسی

۱۶-۱- احداث پل

۱۷/۶-۱- احداث پل روی نهر خین

۲/۶-۱- ایجاد پل روی اروند جهت ورود از ساحل خودی به

جزیره ام الرصاص

۱۶/۳-۱- احداث پل بین جزایر ام الرصاص و ام البابی

۶/۲- انتقال وسایل سنگین

۷- پشتیبانی دریایی یگان توسط یگان دریایی تیپ ویژه شهدا

۸- احتیاط منطقه

و) فهرست بحث شرح عملیات:

اعلام آخرین آمادگی و زمان انجام عملیات

اعزام غواصان که از یک شب قبل از عملیات باید نفوذ

می کردند

اعزام غواصان برای شکستن خط

شروع عملیات

خلاصه وضعیت یگان ها تا ساعت ۷ صبح روز اول

تصمیم گیری برای انتخاب خط پدافندی در صبح روز اول

طرح ریزی ادامه عملیات در شب دوم

وضعیت جدید در مواضع پدافندی و تغییر طرح ادامه

عملیات

۱- این بخش همان گونه که در متن اصلی است گزارش می شود، بجز در موارد اندک که در پاورقی مربوط به آن توضیحی داده شده است.

۲- محسن رضایی فرمانده وقت کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۳- دفترچه شماره ۲، صفحه ۵، تاریخ ۱۳۶۴/۳/۲۹ (دفترچه راوی ۱۰۹۵، صفحه ۵، راوی: رنجبر)

۴- برادر علی سمنانی، ۱۳۶۴/۴/۶، دفترچه شماره ۲ خاتم (دفترچه راوی ۱۰۹۵، ص ۱۳۶ راوی: رنجبر)

۵- از چگونگی عملیات ارتش در شلمچه و ام الرصاص و انجام یا عدم انجام آن اطلاعی موجود نمی باشد.

۶- برادر عزیز جعفری در زمان واگذاری مأموریت مذکور معاونت عملیاتی منطقه ۵ کربلا بود و در آن زمان سپاه به صورت ۵ منطقه بزرگ اداره می گردید.

۷- منظور راوی شهید، عدم توافق برخی فرماندهان با انجام عملیات در فاو بوده است.

۸- در این جمله مفهوم نیست، آیا یگان هایی که در مباحث شرکت نداشتند با توان پایین همکاری می کرده اند یا به رغم اینکه در مباحث حضور نداشته اند در حد توان همکاری کرده اند. جمله گویا و محرز نیست.

۹- مصاحبه با برادر شوشتری قائم مقام فرماندهی قرارگاه نجف ۱، ۱۳۶۵/۷/۵، نوار شماره ۱۴، مصاحبه، راوی: رنجبر، نوار شماره: ۱۷۶۷۵.

۱۰- با توجه به اینکه انتشار عمومی نام این برادران ضرورتی ندارد از ذکر آن خودداری می شود.

۱۱- برادر عزیز جعفری طی نامه ای به فرماندهی نیروی زمینی سپاه مشکلات انجام عملیات صف رابازگو کرده و عدم آمادگی یگان های عمل کننده را اعلام می دارد. به قسمت هایی از این نامه در ذیل اشاره می شود: «به اطلاع می رساند با توجه به محدودیت زمانی از لحاظ جو و زمین در رابطه با تعیین روز و ساعت که در تاریخ دهم تا هفدهم هر ماه مناسب عمل می باشد، در ماه جاری دو یگان تیپ ۱۰ اسیدالشهدا و تیپ ۱۸ الغدیر به دلایل زیر آماده اجرای عملیات نمی باشند:

۱۷۱- عدم آمادگی آموزشی و مانور مشابه.

۱۷۲- آماده سازی منطقه و خط که به دلیل حضور ژاندارمری شروع این کار با حفاظت تناقض دارد.

۱۷۳- کمبود نیرو و در هر دو یگان، هر یگان دارای سه گردان و یک گروهان می باشد.

۱۷۴- مشکلات و کمبودهای یگان دریایی (لباس غواصی و قایق).

۱۷۵- انتقال امکانات و وسایل ویژه عبور که به دلیل حضور ژاندارمری عملی نمی باشد.

۱۷۶- مشخص نبودن یگان احتیاط.

۱۷۷- عدم همزمانی اجرای این عملیات با عملیات دیگری در همین منطقه. ایشان سپس نتیجه گیری کرده که ۲ مورد آن چنین است:

۱۷۷/۱- عملیات اجبار آبه اواسط ماه آینده موکول خواهد شد.

۱۷۷/۲- عمل کردن در این منطقه، تنهایی احتمالاً تلفات غیر قابل قبولی را در بر داشته باشد.

وی آنگاه پیشنهاد می نماید که این عملیات همزمان با اجرای عملیات اصلی شماره ۳ یا ۲ باشد. (سند نامه: شماره ۳۹۸-۱/ج ق ط ۶۴/۹۸)

۱۲- فرمانده قرارگاه نجف ۱ در عملیات.

۱۳- مصاحبه با برادر عزیز جعفری. تاریخ ۶۵/۷/۵ نوار شماره ۱۲ مصاحبه شماره نوار: ۱۶۶۷۳، راوی: رنجبر

۱۴- برادر عزیز جعفری. تاریخ ۶۴/۷/۸ نوار شماره ۲۴ جلسه خاتم شماره نوار: ۱۶۶۱۷، راوی: رنجبر

۱۵- راوی در متن شماره ردیف مأخذ گذاشته است. اما در پاورقی مأخذ را معرفی نکرده است.

۱۶- مصاحبه با برادر شوشتری قائم مقام قرارگاه نجف ۱ تاریخ ۶۵/۷/۵ نوار شماره ۱۴ مصاحبه شماره نوار: ۱۷۶۷۵، راوی: رنجبر

۱۷- جایگزین کردن کلمه 'به رغم' به جای 'به واسطه' جمله مفهوم منطقی پیدا می کند.

۱۸- برادر عزیز جعفری فرمانده قرارگاه نجف ۱، نوار شماره ۴۱، جلسه، ۱۳۶۴/۱۱/۵، راوی: علی فتیحی.

۱۹- نامه شماره اس/۹۳۴/۱۷۱۸-۱۳۶۴/۱۱/۵ فرماندهی لشکر ۲۶ پیاده به یگان های تابعه که در جزوه نگرشی بر عملیات والفجر ۸ واحد اطلاعات نظامی قرارگاه خاتم ترجمه آن منعکس گردیده است. (سند شماره ۲۶۶۴۵۶، جزوه نگرشی بر عملیات والفجر ۸)

۲۰- مقدار آن را راوی مشخص نکرده است.

۲۱- برادر عزیز جعفری فرمانده قرارگاه نجف ۱ در جمع فرماندهان و مسئولین اطلاعات و طرح و عملیات یگان های منطقه صف، تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۵، نوار شماره ۱۷۶۲۴، راوی: علی فتیحی.

۲۲- کلمه در متن خوانا نیست.

۲۳- برادر احمد سوداگر مسئول اطلاعات نظامی قرارگاه نجف ۱، در جمع فرماندهان و مسئولین اطلاعات و طرح و عملیات یگان های منطقه صف، ۱۳۶۴/۱۱/۵... نوار ۴۳ جلسه، نوار شماره ۱۷۶۲۴، راوی: علی فتیحی.

۲۴- برادر حشمت مسئول طرح و عملیات تیپ امام حسن (ع) در جلسه فرماندهان و مسئولین اطلاعات و طرح و عملیات یگان های منطقه صف، ۱۳۶۴/۱۱/۵، نوار ۴۳ جلسه، نوار شماره ۱۷۶۲۴، راوی: علی فتیحی.

۲۵- برادر شوشتری قائم مقام فرماندهی قرارگاه نجف ۱، نوار شماره ۱ با فرماندهی ۱۳۶۴/۱۱/۶، نوار شماره ۱۷۵۹۶، راوی: علی فتیحی.

۲۶- برادر شوشتری قائم مقام فرماندهی قرارگاه نجف ۱، نوار شماره ۲۷ جلسه، ۱۳۶۴/۱۱/۲۸، نوار شماره ۱۷۶۰۰، راوی: علی فتیحی.

۲۷- مصاحبه با برادر شوشتری قائم مقام فرماندهی قرارگاه نجف ۱، نوار شماره ۱۴ مصاحبه، نوار شماره ۱۷۶۷۵، راوی: علی فتیحی.

۱۲۷

۲۸- مصاحبه با برادر عزیز جعفری فرمانده قرارگاه نجف، ۱، ۱۳۶۵/۷۵، نوار
شماره ۱۲ مصاحبه، نوار شماره ۱۷۶۷۳، راوی: علی فتحی.
۲۹- نظر به اینکه گزارش شهید علی فتحی به صورت کامل درج نشده است،
لذا برای آشنایی خوانندگان محترم با ساختار کلی بحث فهرست کامل
گزارش ذکر شده است.